



www.Persiangulfstudies.com

Info@persiangulfstudies.com

شمشیرهای قادسیه در بغداد

نویسنده : روزبه پارساپور

شمشیرهای قادسیه نام بنایی است در مرکز شهر بغداد که به دستور صدام حسین تکریتی جنایتکار بزرگ قرن برای نشان دادن پیروزی بر ایرانیان ساخته شد. نبرد قادسیه یکی از نبردهایی است که موجب پیروزی اعراب بر ایرانیان زمان ساسانی شده است. صدام حسین برای خلق جنایتی دیگر به نام قادسیه شماره دو که با حمایت مادی و نظامی غرب و اتحادیه عرب عملی شد فرمان یورش به ایران را پس از سقوط سلطنت محمدرضا شاه پهلوی صادر نمود. قادسیه شماره یک کشتار صدها هزار ایرانی در نبردهای استخر، جلولا، نهاوند، طبرستان و سیستان را در زمان پادشاهی ساسانیان موجب شده بود و قادسیه شماره دو شهادت صدها هزار جوان ایرانی در جنگ هشت ساله را در بر داشت. صدام حسین رهبر خودکامه و متجاوز عرب در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ نیز رسماً بر تمایل عراق بر نقش ژاندارمی خویش در منطقه خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس صحنه گذارد و در دیدار با یک میهمان برجسته امریکایی که نامش فاش نشد، گفت:

«چرا آمریکا بجای پایگاههای خویش، ما را کمک نمی‌کنید تا از شر پایگاههای شوروی در خلیج عدن خلاص

شویم؟» (۱)

«ویلیام دوال» نویسنده آمریکایی روزنامه کریستین ساینس مونیوتور (۲) در مرداد ماه ۱۳۵۹ به نقش عراق در منطقه و تمایل آمریکا به عراق دقیقاً اشاره دارد و می‌نویسد:

«امریکا که مایل است عراق بعنوان يك نیروی تثبیت کننده در خاورمیانه جانشین ایران شود، از اعتراض به فروش‌های هسته‌ای فرانسه به عراق خودداری کرده است.» (۳)

«کنت. آر. تیمرن» (۴) محقق مشهور آمریکایی در کتاب «سوداگری مرگ» دلایل تمایل آمریکا به عراق را در سال ۱۳۵۹ بررسی کرده و می‌نویسد:

«از اواسط سال ۱۹۸۰ به بعد، برژینسکی، صدام را نیروی متعادل کننده امام خمینی و قدرت او تلقی می‌کرد که مانع توسعه شوروی در منطقه است. تمایلات دوستانه آمریکا نسبت به صدام از همین جا آغاز شد. از این تغییر سیاست آمریکا نسبت به عراق در بغداد به گرمی استقبال شد، البته دلایل صدام با دلایل مشاوران کارتر کاملاً فرق داشتند. صدام حسین معتقد بود که اگر آمریکا نقش عراق را به عنوان کنترل کننده ایران تندرو و بنیادگرا بپذیرد، او رهبر مقبول دنیای عرب خواهد شد. صدام تردیدی نداشت که در صورت حمله به ایران، ایالات متحده از اقدام وی حمایت خواهد کرد.» (۵)

صدام که چراغ سبز را برای رویای هژمونی منطقه از آمریکا (که با سیاست های غلط خود هرج و مرج را در بسیاری از کشورها به ارمغان آورده است) گرفته بود با سه انگیزه عمده پان عربیسمی جنگ را بر ضد ایران آغاز کرد:

انگیزه اول تلاش برای کسب رهبری جهان عرب و یکپارچگی کشورهای عربی منطقه بود. رویایی که هرگز در نزد رهبران هرزه عربی که هریک به نوعی محسوس و نامحسوس دست نشانده قدرتهای جهانی بودند عملی نبود. به دنبال شکست های پی در پی اعراب در برابر اسرائیل و مرگ جمال عبدالناصر و امضای پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلاء رهبری شده بود، شخصیتی که بتواند با استفاده از امکانات و تواناییهای کشور خود در جهت آرمانهای وحدت جهان عرب و جبران تحقیر اعراب در قبال اسرائیل این خلاء را پر بنماید. صدام حسین امیدوار بود با پیروزی در جنگ با ایران چنین موقعیتی را کسب نماید و به همین خاطر نام این جنگ را جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانیها از اعراب مسلمان در اوایل اسلام باشد.

مجله دولتی الفباء که بوسیله رژیم عراق منتشر می‌شود در شماره ۵۶۲ مورخ ۷۹/۷/۴ با عنوان "عراق پنج هزار سال رویارویی" به تضاد بین عرب و ایرانی دامن زده و چنین می‌نویسد:

اعراب، عادت کرده‌اند که عراق در برابر یورش تاتارها در قرن دهم و قرن بیستم ایستادگی کند و تیرهای سلجوقیان و عیلامیان را در قرن بیستم متوقف کند. عادت کرده‌اند که عراق نگهبان منطقه شرقی جهان عرب که در تیررس دشمن است، باشد... عراق از پنج هزار سال تاکنون در خط اول نبرد، گامی استوار و با ثبات در مرزهای شرقی و بازوی پرتحرک در غرب این مرزها بوده است.

این توهمات در حالی گفته می‌شد که تاریخ نگاران به روشنی آگاه بودند که عراق و تمدن بین النهرین در حدود دو هزار سال بخشی از ایران بزرگ بوده است و بابل سالیان دراز مرکز تجاری ایران باستان محسوب می‌شده. همچنین تیسفون مدائن بغداد نیز پایتخت امپراتوری ساسانی بوده است و اثرات فرهنگ و تمدن و مذهب ایرانی در شمال و مرکز عراق به روشنی حکایت از وابستگی های ملی و دینی این مناطق با ایران بزرگ دارد. کاخهای باشکوه هترا که یادگار شاهان مقتدر اشکانی ایران است در عراق امروزه دلیلی دیگر بر تجزیه خاکهای ایران بزرگ و اقوام مختلف اش توسط متجاوزان است. نام بغداد نیز ایرانی است (بغ+داد به معنی داده شده از سوی خدا).

آنچه که امروز کشور عراق نامیده می‌شود، تنها پس از سقوط امپراتوری ترکان عثمانی شکل یک کشور به ظاهر مستقل با مرزهای کنونی را به خود گرفت. در روزگاران دورتر نیز این منطقه محل برآمدن و سپس تجمع چند تمدن رقیب و بزرگ دوران خود بوده: از برآمدن تمدن‌ها و قدرت‌های میانرودان تا نفوذ و گسترش امپراتوری ساسانی گرفته تا دوران خلفای اسلامی و سپس امپراتوری عثمانی.

در سال ۱۹۲۱ پس از شکست عثمانی‌ها در پایان جنگ جهانی اول، استعمار بریتانیا قیومیت بخش‌هایی از عراق (بغداد و بصره) را در دست گرفت و در سال ۱۹۳۲ عراق سرانجام استقلال خود را از نیروهای بریتانیایی اعلام کرد.

برای ردیابی اشتراکات تاریخی و فرهنگی، میان آنچه که امروز عراق و ایران نامیده می‌شود باید بیشتر به گذشته بازگشت. اما پیچیدگی بحث آنجا آغاز می‌شود که در این بازگشت به گذشته مرزهای کنونی در هم می‌ریزد.

در این معنا، گاه سعی در گنجاندن جغرافیای تاریخی رویدادها در محدوده‌های جدید و ترسیم خطوط امروزی به گرد حوزه‌های فرهنگی و تمدنی گذشته و از آن مهمتر بازسازی رویدادها در قالب و شکلی امروزی، استفاده‌های سیاسی و تبلیغاتی را به همراه داشته است.

وابستگی‌های چندین هزار ساله تاریخی و ملی و دینی مناطق شمالی و مرکزی عراق با ایران بزرگ یکی از وحشت‌های رژیم بعث و ابرقدرتها جهانی بود که احتمال پیوستگی دگرباره این مناطق با ایران و گسترش فرهنگ ایرانی و باورهای دینی در آن مناطق خواب شبانه مقامات عربی و آمریکایی و انگلیسی را به کابوسی وحشتناک تبدیل میکرد. همچنین صدام حسین در مراسم افتتاح يك پادگان نظامی در ۵۹/۳/۱۸ با عنوان «پادگان قادسیه» می‌گوید: «شما در این مکان انقلاب خود را پیش روی دارید که شما را به مفهوم قادسیه رهبری می‌کند. شما در اینجا نه تنها نام قادسیه را برخورد دارید بلکه شرف و مفهوم آنرا نیز با خویشتن دارید. شما آمادگی والای گذشت و ایثار را همانگونه که صفت مردان قادسیه نخستین در رهایی امت عرب و تمامی میهن عربی بود، دارا هستید و تنها برای پاسداری از عراق آزاد مبارزه نمی‌کنید.

دکتر «امین» یکی از بعثی‌ها می‌گوید که به قدرت رسیدن صدام حسین مصادف با يك مرحله نوین در تاریخ سیاسی عراق بود و در این میان عراق از چندین جهت قدرتمند شده بود و در آینده نزدیک در سطح خلیج فارس و جهان عرب نقش مهمی از جانب وی در شرف انجام بود. الیاس فرح یکی از رهبران بعث عراق می‌گوید که «قادسیه» صدام موقعیتی بود برای وی تا در چشم جهان عرب به عنوان يك رهبر تاریخی که پل میان گذشته و آینده را از نو بنا نهاده و درهای آینده را به سوی مردم گشوده است خود را جلوه‌گر سازد.

مجید خدوری در شرح زندگی صدام حسین و تاثیر جمال عبدالناصر رهبر پان عربیسم منطقه بر او چنین می‌نویسد: زمانی که صدام حسین در مصر در دانشکده حقوق قاهره مشغول تحصیل بود کارهای ناصر را زیر نظر می‌گیرد و با دقت به آنها می‌نگرد، برخلاف رهبران بعث از ناصر به خوبی یاد می‌کند و می‌آموزد که چگونه نقش وی را بازی کند. او از شیوه آزمایش و خطای ناصر پیروی می‌کند و سعی می‌کند يك مقلد کورکورانه نباشد.

انگیزه دوم صدام این بود که با استفاده از سقوط شاه که براساس دکترین نیکسون به عنوان ژاندارم منطقه انتخاب شده بود، بتواند با پیروزی بر ایران خلاء سقوط شاه را پر نموده و نقش ژاندارم منطقه را در حفظ منافع غرب بازی کند و

علی‌رغم موضع ضد امریکایی که قبلاً اتخاذ می‌کرد به امریکاییها نشان دهد که تضاد منافع با آنها نداشته و اقدام وی در راستای اهداف امریکا در منطقه می‌باشد تا بدان حد که رژیم صدام بعد از ملاقات با صدام با سخنانی غلط و تحریک آمیز صدام حسین دیکتاتور بزرگ را مورد ستایش قرار می‌دهد:

«ما بین منافع امریکا و عراق تضادی نمی‌یابیم.» با توجه به اینکه در این مرحله سیاستهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی در تضاد با سیاستهای امریکا بود صدام حسین تلاش کرد که خود را به عنوان يك عامل موثر بازدارنده و خنثی کننده اقدامات ایران در سطح منطقه نشان دهد.

روزنامه کریستین ساینس مونیتر چاپ امریکا با اشاره به يك گزارش از جلسات سری دولت عراق که دو ماه بعد از سقوط رژیم شاه تشکیل شده بود، می‌نویسد: «در آن جلسه بعد از بحث و بررسی پیرامون نقش شاه و روابط آن با امریکا در دفاع از منافع غرب و ژاندارمری خلیج فارس مطرح شد که در حال حاضر رژیم نوپای ایران با از بین رفتن ارتش و تاسیسات اصلی آن تا مدتها قادر به انجام این نقش نخواهد بود و عراق تنها کشوری است که با استفاده از این موقعیت می‌تواند خلاء ایجاد شده را پر نماید و این کار باید با برنامه‌ریزی، دقت، سرعت و مداومت انجام گیرد. به عقیده حزب بعث برای ایجاد يك موقعیت ژئوپولیتیک جدید بوسیله عراق زمینه از هر جهت فراهم است، لذا حمله نظامی به ایران با وارد آوردن يك ضربه موثر به شکست ایران منتهی می‌شود.

انگیزه سوم صدام جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط پادشاه ایران شده بود. در سال ۱۹۷۵ به دنبال مشکلاتی که دولت عراق در جنگ با کردهای ایرانی نژاد در شمال عراق داشت و مورد حمایت شاه قرار داشتند، صدام حسین معاون رئیس‌جمهور عراق تحت فشارهای داخلی و بین‌المللی به امضاء قرارداد الجزایر تن در داد و همواره احساس می‌کرد که در این جریان تحقیر شده و این قرارداد را لکه ننگی در تاریخ اعراب میدانست. بنابراین مترصد فرصتی بود که بتواند این احساس حقارت را جبران نماید. بدین علت درصدد بهانه‌ای بود که قرارداد قانونی ۱۹۷۵ را باطل اعلام نماید و این کاری بود که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به روز قبل از آغاز جنگ در يك اجلاس فوق‌العاده مجمع ملی صورت داد. صدام حسین در مورد این تصمیم گفت: از زمانی که حاکمان ایران این معاهده را از آغاز در دست گرفتند بوسیله مداخله در امور داخلی عراق چه به صورت پشتیبانی مالی و یا تسلیحاتی از گروه‌های مختلف نقض کرده‌اند، همانطور که شاه چنین می‌کرد... من به شما اعلام می‌کنم که معاهده ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره از طرف ما ملغی می‌باشد. (۴)

همچنین بحث‌های صدور انقلاب و وحشت کشورهای عربی که از ریشه و بنیان درستی برخوردار نبودند نیز از دیگر عواملی بود که آتش جنگ را تقویت میکرد و موجب گردید صدام از همه بهانه‌ها و عقده‌های تاریخی برای این حمله بر علیه ایران استفاده کند. بحث جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس یکی دیگر از مواردی بود که از سوی صدام به عنوان دلایل آغاز جنگ مطرح میشد و او گستاخانه خواستار واگذار کردن جزایر همیشه ایرانی خلیج فارس به کشورهای عربی منطقه بود!!!

سرانجام هیچ کدام یک از درخواست‌های نامشروع و پان عربیستی عراق از طریق قانونی اجرایی نشد و عراق حمله به ایران را رسماً در شهریور ۱۳۵۹ آغاز کرد. در فاصله بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹ بالغ بر ۱۸۹۷ نفر در مرزهای ایران به شهادت رسیدند و ۸۵۵ نفر اسیر شدند. عراقی‌ها بمب گذاری، مین گذاری، عملیات نامنظم و تجاوزهای مرزی شان را خیلی زودتر از آن چه شروع جنگ می دانیم، شروع کردند.

صدام حسین در نامه‌ای که به تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۵۹ به دبیر کل وقت سازمان ملل متحد نوشت، ادعا کرد که عملیات نظامی ارتش عراق که از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به اجراء درآمد، «دفاع پیشگیری» برای دفاع از منافع حیاتی عراق بوده است. در حالی که طبق پاراگراف اول بند ۵ قطعنامه شماره ۲۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۱۲ آوریل ۱۹۷۴، «هیچ نوع دلیلی دارای هر ماهیتی که باشد اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی و یا غیره نمی‌تواند مجوزی برای تجاوز باشد»

در نهایت جنگ تحمیلی با حمایت همه کشورهای متحجر و دست نشانده عربی منطقه خلیج فارس (به جز سوریه و لیبی و الجزایر) رهبری و پشتیبانی میشد و غرب نیز از کمک‌های مادی و نظامی خود به صدام از هیچ کمکی دریغ نمی‌کرد. جنگ تحمیلی عراق و اتحادیه عرب بر ضد ایران با آمار رسمی دولتی ایران ۲۱۳ هزار کشته و ۳۳۵ هزار معلول و ۴۰ هزار اسیر و هزار میلیارد دلار خسارت بر جامعه ایران وارد کرده است که البته آمار غیر رسمی آمار شهدای ایران را تا مرز یک میلیون نفر نیز پیش بینی نموده اند. در حال حاضر، ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار اراضی ایران همچنان آلوده به مین است که خسارت‌های مالی و جانی بسیاری بر مردم بیگناه ایران وارد ساخته است.

در حین عملیات جنایتکارانه بعثی ها در خلق قادیسیه دوم ، صدام حسین برای یادبود این اعمال دهشتناک خود فرمان به ساخت بنای شمشیرهای قادیسیه بغداد را داد . ساخت شمشیرهای قادیسیه از سال ۱۳۶۵ آغاز شد. (دو سال قبل از پایان جنگ ایران و عراق) و شامل دو دست انسان است که از خاک بیرون آمده اند . شکل و فرم هر دست را طراحان غربی از روی دستان خود صدام طراحی کرده است. هر دست نیز شمشیری به شکل کمان در دست دارد که در نوک به شمشیر دیگر وصل می‌شود. این بنا پس از طراحی توسط دو پیمان‌کار انگلیسی و آلمانی ساخته شد.

پس از ساخت، به دستور صدام کلاخود و اجساد ۵۰۰۰ ایرانی کشته شده در جنگ را در اطراف آن قرار دادند. در هر یک از کلاخودها نیز با شلیک یک گلوله، سوراخی در آن ایجاد کردند. بعضی از کلاخودها را نیز با سیمان به جاده زیر شمشیرها چسبانند تا در موقع رژه سربازان عراقی لگد مال شود! در حال حاضر این بنا در منطقه حفاظت شده بغداد (منطقه سبز) قرار دارد و سندی بر وقاحت و تجاوزگری و نژاد پرستی رژیم های عربی دارد . حمله به ایران یکی از اسناد جنایات اوست و در کارنامه ننگین این رهبر بزرگ عربی کشتار بیش از صد هزار کرد عراقی در حلبچه و استفاده از بمب های شیمیایی ضد بشری برای شهروندان کشور خود و همسایگانش نیز وجود دارد. همچنین حمله به کویت و اشغال این کشور و حمله به نفت کشها و آغاز جنگ خلیج فارس نیز هنوز از یادها نرفته است.

بن مایه ها:

(1) اکنون رژیم بعث در کجا قرار دارد؟ تایمز لندن، 17 ژوئن 1980 برابر 27/3/1359. فرد نامبرده احتمالاً برژینسکی بوده است.

Christian Science Monitor (2)

(3) ویلیام دوال، نشریه امریکایی «کریستین ساینس مانیتور» 31 جولای 1980 برابر 9/5/1359.

Kenneth .R.Timmer man (4)

(5) کنت. آر. تیمرمن، «سوداگری مرگ» احمد تدین، انتشارات رسا، چاپ اول تهران 1373 ص 163 و 164.

(6) علل و بروز جنگ ، اثر دکتر منوچهر محمدی